

تاریخ وصول: ۸۹/۶/۷

تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۵

«شخصیت زن در یهود و اسلام، با تاکید بر جایگاه عرفانی آن»

مریم خوشدل روحانی

استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان

نگین حاتم‌زاده

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، زنجان، ایران

چکیده:

در نگرش عهد عتیق، زن موجودی فرعی و ثانوی است. حقوق زن نسبت به مرد بسیار محدود بوده و به جز موارد معدودی، از بسیاری از امتیازات انسانی برخوردار نمی‌باشد. این نگرش، مبنای بسیاری از کج فهمی‌ها نسبت به جایگاه زن در هستی، گردید و در نهایت به نقش ابزاری بودن زن در جامعه غربی گردید. در تلقی اسلام، زنان و مردان، دارای جوهری واحد در انسانیت بوده و در حدود ماهیت انسانی هیچ تفاوتی ندارند. این نگرش، مهم از آیات قرآنی بوده و سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین سرشار آن است.

اگر به تاثیر این دو نگرش در حوزه عرفان بنگریم، خواهیم یافت که در ادبیات عرفانی یهود نیز، وضعیت زن بهبود نیافته و نگاه همان نگاه جنسیتی است. وزن در مقام پایین تری از مرد قرار گرفته، و پایه عنوان انسان نیز به شمار نمی‌آید.

اما زن از جایگاه متفاوتی در حوزه عرفان اسلامی برخوردار است. عرفا نیز تحت تاثیر نگاه اسلام، به زن به عنوان موجودی که در مسیر کمال قدم نهاده و در انسان کامل شدن هیچ مانعی ندارد، می‌نگرند. این تلقی در اشعار مولانا کاملاً بارز است. از طرف دیگر خود زنان عارف در اثبات این نگرش بسیار سهمیم بوده‌اند. نقش این عده را در باروری ادبیات عرفانی، نمی‌توان انکار نمود.

این تحقیق بر آن است که ضمن بررسی شخصیت زن در یهود و اسلام، به معرفی جایگاه وی در حوزه عرفان یهود و اسلام بپردازد.

کلید واژه‌ها:

زن، اسلام، یهود، شخصیت، انسان، عرفان.

پیشگفتار

موضوع زن از موضوعات مهم و چالش برانگیز در مطالعات انسانی به شمار می آید. این مساله از جایگاه متفاوتی در مشرق زمین نسبت به آنچه در غرب تحت عنوان زن مطرح است، برخوردار می باشد. زن شرقی دارای مسائل متفاوتی در ارتباط با زن غربی می باشد؛ مطالبات وی نیز مجزا از زن غربی می باشد. در نگاه قرآنی زن، انسانی مستقل است که جزیی از وجود مرد نبوده و به عنوان یکی از مظاهر جمال الهی لحاظ می شود (قرآن، سوره روم). ظرفیت وجودی زن و مرد در نیل به مقامات و منازل وصول به حق متفاوت نمی باشد. در تاریخ عرفان اسلامی که بخشی از آن محل تلاقی شعر و ادبیات و عرفان است، به عرفایی برخورد می کنیم که خالق شعر عرفانی بوده و برای بیان تجربه های عرفانی خود عنصر مذهب و ادبیات را در هم می آمیختند.

در این بین، زنان نقش مهمی در رشد و تکامل عرفان و ادبیات عرفانی داشته اند. از طرف دیگر در بررسی آموزه های دینی یهود، زن را به عنوان وجودی ثانوی و فرعی در خواهیم یافت، حقوق زن نسبت به مرد بسیار محدود بوده و در مجموع دارای جایگاه چندانی در یهود نمی باشد. این نگرش در یهود به فروکاستی نقش زن در ادبیات و عرفان یهود منجر شده است.

این مقاله در صدد است که به بررسی شخصیت و کرامت زن در نزد دین اسلام و یهود پرداخته و به بررسی نقش زن در عرفان اسلام و یهود بپردازد.

جایگاه زن در جامعه بشری

مسائل مربوط به زن در قرن بیستم، از مهم ترین دغدغه های فکری متفکران بوده و این واقعیت را می توان در قالب نهضت های مختلفی که برای آزادی زنان در اقصی نقاط عالم صورت گرفته است مشاهده نمود. آثار متفاوت اندیشمندان درباره جایگاه و موقعیت زن نمایان

گر این است که همواره زن به عنوان یکی از مهم ترین مطالب مورد نظر ایشان بوده، اما نه به عنوان یک موجود با ماهیت انسانی بلکه با هویت «جنس دومی» به عبارت دیگر حقوق انسانی جنس مونث - که نیمی از نژاد بشر را در بر می گیرد - نادیده گرفته می شود. زن می تواند با صلح و آرامش در قالب «همسریت و مادریت» جماعت آدمی را خوشبخت و کامیاب ساخته و به تعبیر سیاستمداران حق کوش، «صلح جهانی» برقرار سازد.^۱

سده بیستم و نیز سال‌های آغازین آن را باید به درستی دوران توجه روز افزون به مساله حقوق بشر، بویژه حقوق انسانی و شخصیت و کرامت زنان در جوامع گوناگون چه توسعه یافته و چه در حال توسعه تلقی کرد زیرا پیشرفت های قابل ملاحظه ای در سده بیستم در وضعیت زنان در سراسر جهان پدید آمد. اما هنوز اکثریت قابل توجهی از زنان در سراسر جهان، چه در کشورهای اسلامی و چه دیگر کشورها از تبعیض رنج می برند.^۲

اگر چه ستم و تبعیض نسبت به وی یک واقعه جهانی را در بر می گیرد، قتل و سوزاندن نش پس از مرگ شوهر در بین هندوان، دفن دختران زنده با فراغنه مرده که پس از مرگ نیز خلاصی از چنگال شومشان نداشته باشند، ربودن، تجاوز، قتل، این مسائل در مورد زن به عنوان مساله ای جهانی لحاظ می گردد.^۳

تلاش برای پیدا کردن شخصیت های از بین رفته امروز، بزرگترین درگیری سیاسی، اجتماعی جهان ماست. گویی ناگهان همه اقوام و ملت ها و گاه اقلیت های مذهبی از خوابی طولانی و جنون آمیز در پی یافتن هویت گمشده و تبار از یاد رفته خود هستند. زن در تمام موقعیت های متفاوت این دنیا جایگاه شامخ خود را نمایان کرده است، جایگاه بزرگی مثل، مقام مادری^۴، او نماینده تحقق آمال و آرزوهای بشر است.

شخصیت و کرامت زن در اسلام و یهود

الف- شخصیت زن در اسلام

زن مسلمان و جامعه اسلامی به دنبال راه حلی اسلامی است تا بتواند در مورد مسأله زن و

۱- فصل نامه ی تخصصی ادیان و عرفان، شماره ۲۲، صص ۴۳، ۳۵.

۲- برای زنان فردا روز نو، جلد ۲، ص ۱۶

۳- زن در تاریخ اندیشه اسلامی، ص ۳۸.

۴- مسئله زن، اسلام و فمینیسم، صص ۱۵۵، ۱۳۰.

ستم و تبعیض‌هایی که وجود دارد و برای رسیدن به حقوق عادلانه از وی دفاع کند. رشد ابعاد مادی و معنوی از جمله: تحصیل تقوی و طهارت همراه با کسب کمالات علمی و اجتماعی می‌تواند منجر به منزلت زن بشود در اندیشه اسلامی آمده است: اگر زن دارای مقام چنین و چنان است باید در عمل و در عینیت جامع و در برخورد با شخصیت زن موثر باشد. مقام والایی که هیچ ظهوری در آشپزخانه نداشته باشد و زن را در حد یک مملوک حفظ کند وجودش کالعدم است. این مقام والا باید ثمره اش در جایی ظاهر شود. اگر زن یک کتاب ارزنده در تعلیم و تربیت بنگارد یا یک اثر هنری بیافریند یا یک سازمان و نهادی را خوب مدیریت کند به مراتب بیشتر از شخصیت زن دفاع کرده است تا اینکه کتابی درباره شخصیت زن بنویسد مطالب کتاب را ممکن است مردم نپذیرند، اما واقعیت عینی را نمی‌توانند انکار کنند. وقتی زن هنر خود را عرضه می‌کند کسی نمی‌تواند انکار کند. بین سخن گفتن از بوی مشک و بوییدن مشک فرق بسیار است^۱.

می‌دانیم که معشوقی از آن زن و عاشقی از آن مرد است. یکی از معاصرین در مورد این مقام می‌گویند:

«زن همواره در سرشت و سرنوشت خود مقام معشوقی را از آن خود داشته چرا اینکه «زن» مزیت و مظهریت عشق الهی در روی زمین بوده است و در واقع مرد آینه زن به اسماء و صفات الهی تقرب و تعشق جسته است^۲».

به همین دلیل است که زن و مرد می‌توانند عاشق یکدیگر بشوند، باهم زندگی کنند، و از هم خسته نشوند^۳.

خصوصیات و شخصیت زنانی که در قرآن ذکر شده است:

به اعتقاد راستین مسلمین، این تعلیمات پیامبر اسلام بود که باعث رهایی زن از ورطه نادانی گردید و تاریخ اسلام گواه احترام‌های بی‌شائبه رسول اکرم به زن است. زن قائمه حیات و مددکار مرد در نیل به رشد و تعالی جامعه است^۴ شاهد مطلب بالا ذکر ۴۰۰ آیه در مورد زنان

۱- منزلت زن در اندیشه اسلامی، صص ۶۶، ۶۵.

۲- فصل نامه تخصصی عرفان، شماره اول، ص ۳۳.

۳- جایگاه زن در اسلام مناسبتها، مبلغان، شماره ۱۰۴، ص ۳۹.

۴- زن در شعر فارسی، ص،

در قرآن کریم می باشد، این خود بیانگر اهمیت و هتمام این کتاب الهی به نقش زنان می باشد.^۱ در اینجا به معرفی ۱۲ زنی که نامشان در قرآن آمده می پردازیم، قرآن برای هر یک از این زنان صفت یا صفات بارزی را به عنوان شاخصه معرفی کرده است. این زنان شامل «حوا، آسیه همسر فرعون، سارا همسر ابراهیم، هاجر همسر ابراهیم، یوکابد مادر موسی، صفورا همسر موسی و دختر شعیب، الیزابت یا یصابات همسر زکریا، حنه همسر عمران، همسر ایوب، بلقیس، مریم (ع)، خدیجه (ع)» می شود.

۱. حوا همسر حضرت آدم که از تائبات بود.

« قالوا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا...! »

پروردگارا! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشایی و بر ما ترحم ننمایی هر آینه از زیانکاران خواهیم بود^۲

۲. آسیه همسر فرعون از مومنات و مشتاقان خدا بود.

«و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا...»

خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند (آسیه) زن فرعون را مثال می زند. آن گاه که (در مقابل تهدیدات فرعون) گفت: پروردگارا خانه ای در نزد خودت (بهشت) برای من بنا نما^۳. خداوند متعال در صبر و استقامت و وفاداری به حق و حفظ ایمان و جمال ارادی، «آسیه» زن فرعون را مثال زده و الگو قرار داده است^۴.

۳. سارا همسر ابراهیم از قائمات و خدمتگزاران پیامبر بود.

«و امراته قائمه ..» و همسر او به خدمتگزاری به پا بود.^۵

۴. هاجر همسر ابراهیم از سائحات بود.

«سائحات که در قرآن به عنوان یکی از صفات کمالی ذکر شده است^۶.

به معنای زنان مهاجر است. علامه طباطبایی می گوید: سائحات کسانی هستند که با گام های

۱- جایگاه زن در اسلام و یهودیت، ص ۲۰.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۸۶، اعراف..

۳- تحریم ۱۱/.

۴- جایگاه اخص و ممتاز زن، صص ۹۴، ۹۶.

۵- تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۳۲۳، هود ۷۱.

۶- تحریم / ۵.

خود از مسجدی به مسجد دیگر و از معبدی به معبد دیگر هجرت نموده، با بدنهای خود در پی اطاعت و انجام دستورات پروردگار می روند.^۱

۵. یوکابد مادر موسی از مسامات و توکل کنندگان بر خدا بود.

«اذ اوحینا الیل امک ما یوحیا ان اقدفیه فی التابوت فاقدفیه فی الیم فلیلقه الیم ..»

مادر حضرت موسی نمونه زنان مسلمان بود. او به امر پروردگار وبا توکل بر او عزیزترین نعمت پروردگار، فرزندش را به دریا انداخت.^۲

۶. صفورا دختر شعیب، همسر موسی نمونه حیا و حسن انتخاب بود.

« فجاءته احدیها تمشی علی استحیا ..»^۳

۷. الیزابت همسر زکریا از صالحات و خاشعات بود.

« فاستجبنا له و وهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجه انهم كانوا یسار عون فی الخیرات و

یدعوننا رغبا و رهبا و كانوا لنا خاشعین »

ما همسر زکریا را برایش صالح گردانیدیم، آنها در کارهای خیر سبقت می گرفتند و ما را با حالت بیم و امید دعا می کردند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند.^۴

۸. حنه همسر عمران از متصدقات و صدقات و مخلصات بود.

« اذ قالت امرات عمران رب انی ندرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منیا ..»^۵

حنه همسر عمران، مادر مریم (ع) با اخلاص نذر نمود فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت المقدس قرار دهد و به آنجا هدیه کند؛ پس چون فرزندش متولد شد صدق خود را با وفای به نذرش به اوج رساند.

۹. همسر ایوب نمونه صبر و ایثار گری و خدمتگزاری پیامبر بود.

« و اتیناه اهلہ ..»^۶ «... و وهبنا اهلہ ..»^۷

۱- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶.

۲- طه / ۳۹-۳۸.

۳- قصص / ۲۵-۲۶.

۴- انبیاء / ۹۰.

۵- آل عمران / ۳۵.

۶- انبیاء / ۸۴.

۷- المیزان، ص ۱۶۷.

همسر ایوب نمونه بزرگی از ایثار و فداکاری بود، از همین رو لیاقت یافت که خداوند در قرآن از او به کنایه به نیکی یاد کند؛ زیرا در هنگام گرفتاری حضرت ایوب و بیماری و تعفن بدن او همه حتی فرزندان از او دوری گزیدند و ترکش کردند و فقط همسرش ایثار نموده، در کنار او ماند.

۱۰. بلقیس نمونه عقل، درایت و آینده نگری و حق گرایی بود .

«قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان الله رب العالمین ...»^۱.

«انی وجدت امراه تملکهم و اوتیت من کل شیء»

افزون بر این، علامه طباطبایی معتقد است عبارت «اوتیت من کل شیء» براساس قرائن در آیه شریفه بیان می دارد که از جمله چیزهایی که به بلقیس داده شده بود دور اندیشی، عقل، درایت، حزم و عزم نیز بود.^۲

۱۱. خدیجه نمونه ایثار و احسان بود.

«وو جدک عائلا»^۳.

مفسران آیه را اشاره به حضرت خدیجه (س) دانسته اند؛ زیرا کلمه عائل را به معنای فقیر گرفته و گفته اند پیامبر اکرم (ص) بعد از آنکه مالی نداشت خداوند او را به وسیله حضرت خدیجه (ع) که اموالش را پس از ازدواج به پیامبر بخشید، ثروتمند نمود.^۴

۱۲. فاطمه (ع) تجلی کمال یازده زن الهی قرآن قرآن از فاطمه زهرا (ع) نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده، وی را نمونه وفا کنندگان به عهد، صائمات، متصدقات، صابرات و ذکرات معرفی می کند.^۵

تجلی کامل تر تقدس مریم (ع) در فاطمه (ع)

تجلی کامل تر تقدس مریم (ع) در فاطمه (ع) مریم، مادر حضرت عیسی زن پاکی است که قرآن بیشتر از سایر زنان به نیکی از او یاد نموده است. خداوند ۳۴ بار به صراحت نام وی را

۱- نمل ۲۳/ - ۴۳.

۲- ابی الفداء، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳- ضحی / ۸.

۴- تفسیر المیزان، ج ۳۰، ص ۳۱۱.

۵- البرهان فی التفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۲۷، دهر و نسا / ۴۱.

در قرآن آورده و ویژگی‌های متعالی آن بانو را مستقیم یا غیر مستقیم یاد آور شده است^۱

زن و شایسته سالاری در اسلام

نابرابری در عرصه مشارکت‌های سیاسی، تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت‌های خرد و کلان، بخشی از نظام تبعیض اجتماعی علیه زنان است. از نگاه روشنفکران، حضور فعال افراد، اعم از زن و مرد، بدون نگاه جنسیتی و بر مبنای شایسته سالاری در قدرت و سیاست لازمه توسعه پایدار است: «ویژگی‌های خاص جسمی، عاطفی و رفتاری هیچ‌گاه باعث تفاوت ماهوی، فکری، اداری بین مردان و زنان نبوده و نیست و نمی‌توان آن را ملاک محدودیت در وظایف آنان دانست و ملاک در تصدی وظایف اجتماعی، توانایی و مدیریت است و نه جنسیت... در اسلام و جامعه‌ای که فرهنگ اسلامی دارد نه مرد سالاری مقبول است نه زن سالاری، بلکه شایسته سالاری مورد پذیرش است.»^۲

علامه طباطبایی هویت انسانی را بر هویت جنسیتی افراد امری برخاسته از تعقل و عقلانیت بر می‌شمرد و با ذکر آیاتی از قرآن کریم بر این نکته تأکید می‌ورزد که خداوند بیش از پیش از هر چیز افراد را به عنوان انسان مخاطب خود قرار داده است و هویت‌هایی که مبتنی بر جنسیت افراد می‌باشند به عنوان اموری فرعی تلقی می‌گردند. به نظر ایشان: اسلام تشخیص می‌دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و مرد و زن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوتند، از جهت انسانیت هیچگونه فرقی با هم ندارند، زیرا هر دو انسان را اعم از زن یا مرد دو فرد نر و ماده با تناسل خود به وجود می‌آورند. ایشان با ذکر آیاتی از قرآن کریم نتیجه می‌گیرند «که شرع اسلام زن را نیز مانند مرد جز کامل جامعه انسانی قرار داده و هر دو را به طور متساوی شناخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل تشریح فرموده چنانچه در مرد همین حق را جعل کرده است.» براساس چنین نگرشی، ایشان وضعیت و جایگاه زن را به سه دوره تقسیم می‌کند:

۱. دوره‌ای که در آن به زن به عنوان حیوانی انسان‌گونه نگریسته می‌شد. بدین معنا که زن با شکل انسان آثار وجودی حیوان را داشته.

۲. دوره‌ای است که زن دارای حقوقی شده ولی همچنان در اسارت به سر می‌برد. این

۱- تحریم ۱۲/.

۲- نه مرد سالاری، نه زن سالاری، بلکه شایسته سالاری، روزنامه زن، ص ۱۳۸.

دوره که آزادی در زنجیر نام دارد زن به مانند اسیری در نظر گرفته می شود که در بردگی به سر می برد و فاقد نعمت آزادی اراده و عمل است، زیرا در این دوره وی بسان یک اسیر، دشمن جامعه محسوب می شود و آزادی وی به مانند آزادی یک دشمن گرفتار در اسارت به معنای متلاشی شدن و فنای جامعه است، در نتیجه باید دشمن را در اسارت نگه داشت.

۳. مرحله ای است که اسلام ظهور می نماید و در این مرحله «اسلام زن را در یک فرد انسانی تشخیص داده و جزئی به تمام معنی از جامعه بشری شناخته، وزنی (یا ارزشی) را که یک نفر انسان به حسب اندازه تاثیر اراده و عمل خود می تواند در جامعه بشری پیدا کند به وی داده است.»

ب- شخصیت زن در یهود

اگر به برداشت های مورخین یهودی در باره زن پردازیم، خواهیم دید که ایشان، دین یهود را مادر ادیان و مقدم بر تمام ادیان توحیدی جهان معرفی میکنند و تورات را نخستین کتاب آسمانی و سرچشمه فرهنگ جهان می خوانند. درباره تاریخ قوم بنی اسرائیل و پیدایش دین یهود به جز تورات و ضمایم آن در «عهد عتیق» که کتاب مقدس یهودیان به شمار می آید هیچ مدرک مستند تاریخی وجود ندارد!

در دین یهود، زن به نسبت مرد وجودی فرعی است. در تورات^۱ آمده است که پس از این که آدم نتوانست در میان موجودات زنده زوجی مناسب برای خود بیابد، خداوند او را به خواب فرو برد و یکی از دنده هایش را برداشت و حوا را از آن آفرید. آدم بلافاصله در یافت که این موجود قسمتی از گوشت و استخوان اوست، لذا آن را زن (عبری: ishah) نامید زیرا از مرد عبری گرفته شده است. از لابلای کتاب مقدس و ادبیات قدیم ملل همجوار اسرائیل می توان به حدسیاتی دست یافت در بین نومادهای تشکیل دهنده اسرائیل، ما به یک شکل از مادر سالاری بر خورد می کنیم که معرف اختیار و قدرت زن نیست بلکه موقعیت زن را در خانواده مشخص می سازد. در این نظام نسبت افراد با مادرشان مشخص می گردد و حتی مادر، هویت قبیله را معین می سازد. در تورات راحل، له آ و هاجر، نمونه این موقعیت زنان می باشند

۱- آفت جهانی، صص ۱۳، ۱۷

۲- تکوین ۲۳-۲۴

هاجر جده اعراب اسمعیلی است، راحل و له آ نیز قبایل اسرائیلی را به وجود می آوردند.^۱ در میشنا و تلمود، باز هم حقوق زن نسبت به مرد بسیار محدود بوده، دختران درس دین نمی گرفتند و در مدارس دینی که به وسیله ربی ها اداره می شد پذیرفته نمی شدند و به طریق اولی امید رهبری و کسب مقام اجتماعی و مذهبی برای آنان وجود نداشت. آنچه از کتاب مقدس برمی آید دعاها و نمازها برخی مختص مردان بود و گاهی دعای زنان، خدمه و کودکان نابالغ یکسان بیان می شد. زنان در معبد حق عبور، فراتر از مرز دهلیزی که مختص آنان بود نداشتند و ورود به صحن داخلی با کیفر مرگ روبرو میشد. زنان در مراسم قربانی حق شرکت نداشتند و به دیدن این مراسم نیز مجاز نبودند. اصولاً " زن در فرهنگ یهود (و عرب) موجود پست تر از مرد به شمار می رفت و مطالعه کتاب مقدس و متون یهودی این ادوار معرف این حقیقت است.^۲ (داود ۲۱، ۱۳، ۲۲)

با این وصف، دین یهود برای زن نقص ذاتی قایل است و معتقد است که هیچ گاه زن عامل نیکبختی نبوده است، بلکه همانند مرگ برای آدمی، تلخ و ناگوار است. اساساً " در آیین تحریف شده یهود، برای زن شخصیت و منزلتی قائل نبودند؛ چرا که در کتاب های مقدس، برخی قوانین ظالمانه بشری جایگزین قوانین الهی شده است و گرنه، روشن است که مقصد انبیای عظام، عدالت گستری و از بین بردن هر نوع ظلم و ستم از جامعه است و آن بزرگواران هرگز خواهان ظلم به زنان نبوده اند.^۳

نوال سعداوی نویسنده یهودی مصری در زندگی نامه خود می نویسد: از دوران کودکی خود خاطرات ناخوشایند در ذهنم باقی مانده است وقتی در شش سالگی تجربه خواب خوش کودکی ام در یکی از شب ها با اقدام سنتی اطرافیان که دست و پا بسته به حمام بردند تا طبق سنت و عرف مرا ختنه نمایند کام مرا تلخ نمود. و من پیش از آن که بفهمم زن هستم به زنانگی خود گریستم.^۴

۱- خروج ۲۲/۱۵.

۲- تحقیقی در دین یهود، صص ۳۳۰، ۳۳۲.

۳- زن در اندیشه تاریخ اسلامی، ص ۳۸.

۴- زن و پژوهش (زندگینامه نوال سعداوی)، ص ۷۰۶.

نقش زن در عرفان اسلامی

در قرآن کریم، آخرین مقام از مقامات عرفانی (فنا)، نیز در حق زنان ثابت شده است، البته در این مورد در قرآن تصریحی نشده و فقط به طور تلویحی و اشاره، ذکری از این مطلب به میان آمده است. شماره منازل و مقامات راه سیر و سلوک از دیدگاه های مختلف به تعداد متفاوتی بیان گردیده است. بعضی تعداد منازل را ۷ و گروهی ۷۰ و عده ای ۷۰۰۰۰ و یا ۷۰۰۰۰۰ بیان کرده اند. در هر حال آنچه که مورد اتفاق نظر همه عرفا می باشد، این است که در پایان سفر اول و در آخرین منزلگاه و آخرین مقام، فرد به مقام «فنا» و پس از آن به «بقای بعد از فنا» می رسد. در قرآن به صورت تلویحی این مقام به وسیله بانویی جلیل القدر به نام آسیه از خداوند درخواست شده است. نگاه به زن در نگاه عرفان، یک عالم کبیر است. جهان عظیمی که «کون جامع» نام دارد و از بزرگترین عوالم وجود است.^۱

با بررسی نقش زن در شعر عرفانی نیز خواهیم دید که در سراسر مثنوی مولای رومی از زن به عنوان عنصری یاد می شود که در تمامی صحنه های اجتماعی حاضر شده و در مقابل مشکلات و سختی ها مقاومت می کند. مولانا حضرت مریم را ملکه عفاف و هم سطح یوسف پیامبر معرفی می کند.

در قرآن کریم به گونه پی در پی آمده است: که هر چیز به اراده خداوند، روح و حقیقتی دارد و از آمیزش دو جفت همه چیز زاده می شود. مولانا به لزوم هماهنگی مرد و زن در زندگی اشاره دارد، چرا که آنان یار و غم خوار یکدیگرند و باید زندگی ایده آلی با هم داشته باشند و این به دست نمی آید، نمی شود مگر با هماهنگی و هم رایی.^۲

همچو مریم او پیش فوت ملک	نقش را کالعود بالرحمن منکدید
مریم صورتی بس جان فزا	جان فزایی دلربایی در خلا
پیش او بر رست از روی زمین	چون مه خورشید آن روح الامین
از زمین بر رست خوبی بی نقاب	آن چنان کز ششرق روید آفتاب ^۳

۱- مجله زنان، شماره ۱.

۲- قرآن کریم، ص ۱۱۳، ۱۱۴.

۳- مثنوی معنوی، ج ۳، ص ۳۷۰۰-۳۷۰۴.

مولانا در جای جای مثنوی می خواهد بگوید زنانی که در ادوار تاریخ گوناگون موثر بوده‌اند و مستحکم در مسایل و مشکلات جامعه هستند و هیچ‌گاه در مقابل سختی‌ها خم به ابرو نیاورده‌اند، نمونه یک انسان کامل هستند. بهترین جمله‌ای که مولوی در مزایای زن گفته است، این است که مرد اغلب حالت مفهومی از زندگانی را درک می‌کند، ولی زن زندگانی را می‌چشد. مرد زیبایی‌ها را می‌بیند و آن را درک می‌کند، ولی زن زیبایی را بخشی از روحش قرار می‌دهد و به بیان بهتر آنچه را که زن می‌چشد، مرد می‌داند. در نهایت باید گفت مثنوی دنیای وحدت است. عشق به زن انگیزه‌ای است برای شاعران و مظهر آرمانی عشق به شمار می‌رود و شعر مطمئن‌ترین جایگاه برای بیان این احساسات است.^۱

در شعر عرفانی این تناظر به صورت شاخص در تقابل دو تایی عقل و نفس دیده می‌شود. چون فیلسوفان پیشین عقل را مرد و مذکر و نفس را زن و مونث می‌دانستند (حتی در زبان عربی واژه عقل مذکر و واژه نفس مونث است)، در نتیجه بنای عرفان مبارزه با نفس اماره است. که در واقع این نخستین درس سالکان است. خاقانی می‌گوید:

زن مرده‌ایست نفس‌چو خرگوش و هر نفس نامش به شیر شرزه هیجا بر آورم^۲

اما مولانا، با آن ذهن رمز پردازش، نخستین کسی است که رمزپردازی نفس را با افراط به کار می‌برد.

واژه زن در ادب صوفیه کم‌کم کاربردهای گوناگون یافت و زنانی گوناگون نام‌شان در ادبیات عرفانی ثبت شد بعضی از این نام‌ها چون لیلی، ساحتی روحانی یافتند یا چون سودابه نفس پرست نمادی از ظلال و گمراهی شدند و کاربرد نام ایشان هم نمادین شد. شیمیل در کتاب «روح من زن است»^۱ اشاره می‌کند^۳. که در قرآن از سه نوع نفس یاد شده است: نفس اماره بالسوء در سوره یوسف: «و ما ابری نفسی ان النفس لاماره بالسوء» (سوره ی ۵۳:۱۲) نفس لوامه: «ولا اقسام بالنفس اللوامه» (سوره ی ۲:۷۵) و نفس مطمئنه: «یا ایته النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (سوره ی ۲۸:۸۹-۲۷) جالب این که از هر یک از این سه نوع نفس یک بار در متن قرآن یاد شده است و بنابراین از موقعیت و امتیازی یکسان برخوردارند.

۱- فصل نامه زن و جامعه، سال اول، ص ۱۶۷.

۲- دیوان اشعار خاقانی، ص ۲۴۶.

ستایش زن در غزل های عربی و فارسی میراث ستایش زن ایزدان و الهه های دوران باستان و کهن است. بهترین کسی را که می تواند نماد عشق و جمال الهی باشد از نظر مولانا، لیلی است.

لیلی

در شعر عربی و بعدها به تبع آن در شعر غنایی فارسی، لیلی رمزی برای معشوق حقیقی شد. در شعر صوفیه پیوندی میان عشق مجازی و عشق حقیقی، عشق زمینی و آسمانی برقرار می شود. و لیلی زنی است که نخستین رمز زنانه الله است چرا که حال مجنون هم در عشق لیلی بی شباهت به حالت جنون و سکر عارف در مشاهده حق نبود^۱.

زلیخا

داستان زلیخا در قصص انبیا و روایت های داستانی عطار و دیگران صورتی تازه به خود می گیرد. زلیخا هم جان در کار معشوق می کند و آن گاه که تن او فرسوده و چشم های او از فراق یوسف کور شده اند به همت و عنایت الهی زیبایی و بینایی را باز می یابد و اسوه عاشقی و یکتایی می شود.

در حکمت اشراقی زن فرشته و محافظ بشر است که همان بخش نفسانی دور مانده از وجود بشری و در عالم فرشتگان است. سهروردی معتقد است: «علاوه بر جبرئیل که محافظ تمام نوع بشر است، هر کس یک فرشته محافظ خاص دارد که در جهان فرشتگان مقیم است»^۲

زن در ادبیات عرفانی :

در بررسی اجمالی و مختصری که در ادبیات مسلمانان درباره زن پرداختیم، به جایگاه ویژه زن در ادبیات بر می خوریم معروف رصافی یکی از شاعرانی است که با دیدی انسانی و فراگیره جوامع می نگریست و در کنار پرداختن به بی نوایی زن مشرق زمین، از ستمی سخن می گفت که از سوی حاکمان ترک نژاد بر زنان می رفت. توجه او به مسائل زنان تا حدی بود که در دیوان خود بابتی با نام «نسائیات» گشود. او حتی ضربان قلب مادر را در شکل گیری

۱- کتاب اللمع، ص ۳۸۸.

۲- سه حکیم مسلمان، ص ۷۷.

شخصیت طفل موثر و مادر را سرچشمه ویژگی های اخلاقی افراد میداند.^۱
 زن خوب در شاهنامه زیبایی بدن را با زیبایی روح و رعنائی را با آهنگی، و شرم را با
 خواهش جمع دارد. اما در مورد چنین زنی در شاهنامه گفته شده است:

ز سر تا به پایش به کردار عاج	برخ چون بهشت و به بالا چو ساج
بر آن سفت سیمین دو مشکین کمند	سرش گشته چون حلقه ی پای بند
رخانش چو گلنار و لب ناردان	ز سیمین برش رسته و دو ناروان
دو چشمش سبان دو نرگس به باغ	مژده تیگرگی برده از پر زاغ
اگر ماه جوئی همه روی اوست	وگر مشک بوئی همه موی اوست ^۲

کلمه «زن» نزدیک سیصد بار در شاهنامه به کار رفته است. همه عشق های مطرح شده در شاهنامه پاک و بر وفق طبیعت سالم و نیالوده ی زنان و مردان پهلوان است. برخی دیدگاه ها نیز نسبت به زن در شاهنامه، مطرح شده است. باید توجه کرد که این دیدگاه ها در موضعی خاص و از زبان فردی خاص، گفته شده است و نباید این موارد را تعمیم داد و شاهنامه را کتاب ضد زن تلقی کرد.^۳

معرفی زنان عارف مسلمان

در تلاقی میان عرفان و ادبیات عرفانی اسلام، عده ای از زنان صوفی بوده اند که شعر عارفانه نیز می سروده اند و از برخی از ایشان ابیاتی نیز بجا مانده است که عبارتند از: رابعه عدویه، ریحانه و الهه، شعوانه ابلیه، عثمانه، ذکاره، رابعه بنت اسماعیل، فاطمه ام الیمن و تحفه، میمونه، آسیه، حیونه و عوسجه زنانی هستند که اشعار ایشان امروز دسترس ماست.

۱- زن در نگاه معروف رصافی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۴۸-۶۵.

۲- فردوسی، زن و تراژدی، صص ۲۸، ۳۴، ۱۳.

۳- دایره المعارف زن ایرانی، ص ۵۳۹.

رابعه عدویه

عارفه ای معروف است که مورد احترام همه مشایخ و بزرگان صوفیه بوده و سیرت و گفتار او در آنان اثر داشته است، در تذکره الاولیای عطار آمده که اگر رابعه در مجلس حسن بصری حاضر نبود، او مجلس نمی گفت. وجه تسمیه وی به رابعه به این دلیل است که وی چهارمین دختر خانواده بود. از اهمیت رابعه این است که «محبت» را اساس طریقت خود قرار داده است.^۱ ویژگی شاخص اشعار رابعه که او را قابل توجه کرده است این است که در شعر رابعه، خدا معشوق و حبیبی است که شایسته عشق ورزی است.

شعوانه

شعوانه ابله پارسا زن ایرانی اهل بصره است. پس از رابعه شعوانه مهم ترین زنی است که نام او در کتب سیره و مقامات صوفیه دیده می شود^۲ وی اصلاً ایرانی بوده و فارسی می دانسته اند. زمان زندگی وی احتمالاً "قرن دوم هجری و معاصر رابعه عدویه بوده است. سال وفات وی را ۱۷۵ هجری نوشته اند. آنچه از ابیات وی دریافت می شود بی ارزشی دنیا و ما فیها در نظر وی است.^۳

ریحانه

«ریحانه والهه» نیز از متعبدات بصره (ابله) بود وی معاصر صالح مری بوده است، پس تاریخ وفات او باید در نیمه دوم قرن دوم هجری باشد ابن جوزی در صفه الفوه و ابوالقاسم حسن بن محمد بن حبیب نیشابوری صاحب کتاب عقلاً مجانین نام وی را در گروه «مجانین من النساء» ذکر کرده اند. آنچه شعر ریحانه را برجسته می کند، وجد شیفگی و اشتیاق فراوان اوست شاعر در شعری خطاب به حق، او را عزیز و مراد خود می داند، بلکه او از او فقط خود او را می طلبد.

۱- مقدمه ای بر عرفان و تصوف، ص ۵۰.

2 - Rabia the Mystic and her Fellow - saints in Islam , 148.

۳- خزینه الاصفیاء، ج ۲، ص ۴۱۰.

رابعه بنت اسماعیل

از بزرگترین زنان شام بود. از جمله زنان ثروتمندی که همه اموال خود را در راه درویشان صوفیه خرج کرد^۱. سلمی بیتی از وی نقل نکرده اما جامی در نفحات الانس و ابن جوزی در صفه الصفوه از قول احمد بن ابی الحواری همسر «رابعه بنت اسماعیل» یا رابعه شامیه ابیاتی را نقل می کنند. رابعه، حق را غایت آرزوها و آمال می داند؛ آنکه امید وبیم و خوف و رجای رابعه به وی واز وی است. (دو واژه خوف ورجا که از اصطلاحات صوفیه است در اشعار وی دیده می شود).

عثامه

عثاه بنت بلال بن ابی الدرداء از زنان عابد بود که نور چشمانش را از دست داد. آنچه از شعر عثامه دریافت می شود اینکه او نیز از جمله زنانی است که سنت عرفانی ایشان فراوانی گریه است. همان طور که در زندگی نامه اش هم آورده اند در اثر بسیاری گریه نابینا شده است. در شعرش هم به جا آوردن نماز و تلاوت قرآن را جز با اندوه و گریه تمام نمی داند. و آنچه از شعر عثامه در یافت می شود این است که وی از جمله زنانی بود که سنت عرفانی ایشان فراوانی گریه است.

ذکاره

ذکاره در نیمه اول قرن سوم هجری می زیست. نام ذکاره را تنها سلمی زیر عنوان «عابدات و الهات بغداد» ذکر می کند و در هیچ مرجع دیگری نام او دیده نمی شود. سلمی او را مجنون می نامد^۲.

ام یمن

سلمی و ابن جوزی هر دو احوال ام الیمن یا (ام ایمن) همسر ابی علی رودباری را نقل می کنند. سلمی وی را یکی از بزرگان طریقت معرفی می کند^۳ بیت های باز مانده از وی حکایت

۱- ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات، ص ۱۳۹.

۲- همان، ص ۱۸۳.

۳- ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات، ص ۱۸۷.

از اشتیاق فراوان وی به زیارت خانه خدا دارد، هر چند آرزوی او برای همراهی کاروان زائران حج بر آورده نمی شود.

میمونه السوداء

احوال و اشعار میمونه السوداء را ابن جوزی و ابوالقاسم نیشابوری هر دو آورده اند. ابن جوزی او را از عقلای مجانین کوفه و حسن بن محمد او را از حمص می داند. در شعر میمونه قلب های عارفان قابل توجه است و قلب های عارفان را به اشخاصی تشبیه می کند که دارای چشم وزبان وبال هستند. و با چشم هایشان می بیند با زبانشان از او حکایت می کنند و با بال هایشان به سوی او پرواز می کنند.

تحفه

«تحفه» از دیگر عقلای مجانین است که جامی او را معاصر سری سقطی می داند و در نفعات الانس احوالش را ذکر می کند غیر از آن جامی در سلسله الذهب حکایت وی را به نظم کشیده است. وی از جمله شیدایان حب الهی است که به جرم این سرگشتگی لقب مجنونه دارد و سرانجام از فرط سرمستی از حب الهی جان می سپارد. آنچه از شعر تحفه برمی آید اینکه وی صدای حق را با گوش دل شنیده و به شرف قرب الهی نائل شده است.

آسیه

«آسیه» از بغداد بود. یکی از ادبا نقل می کند که ذکر آسیه مجنونه را برای عبدالله بن طاهر کردند. او را خواست داخل شد و سکوت اختیار کرد و پنج روز حرفی نزد.

حیونه

در کتاب عقلا مجانین نام زن مجنونه دیگری از اهواز به چشم می خورد «حیونه»، که ابیات بسیاری نیز از وی نقل می شود. او شیفته عشق الهی است. قلب او واله محبت اوست.

عوسجه

او نیز جزو زنان شاعری است که نامش در ردیف «عقلای مجانین» آمده است. روایت هایی که از او نقل می شود او را در حال طواف خانه کعبه یا در خرابات واسط توصیف می کند. عوسجه به شب و تاریکی عشق می ورزد زیرا آن را زمان اتصال یار و فرصت دیدار می داند.

این ها حال شیدایی دسته ای از زنان عارف است که حب الهی و عشق به او آنها را واله و سرگشته کرده و زبان شعر را که زبان عاشقان است بر آنها گشوده است^۱ یکی از چهره‌های موفق عصر حاضر و اهل معرفت در زمینه عارف، بانویی است در اصفهان که مجتهدی جهان اسلام است. حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین معروف به بانوی مجتهدی اصفهانی نصرت امین، در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در شهر اصفهان، دیده به جهان گشود. از چهار سالگی به مکتبخانه رفت تا به فراگیری قرآن و زبان فارسی پردازد یکی از معاصرین در مورد بانو امین نقل کرده است که :

«آوازه این بانو و علم و معرفتش در همه جا پیچید. پیش خود گفتم: چگونه می تواند مسائل پیچیده فلسفی را درک کند؟ آخرش این است اصطلاحات و عناوین فلسفی را درک کند، یا آخرش این است که اصطلاحات و عناوین فلسفی را بدون رسیدن بر ژرفای آن مسائل حفظ کرده چون این همه معرفت و فضیلت در یک بانو را بسیار بعید می دانستم. برای همین، به اصفهان رفتم تا ملاقاتش کنم، به اصفهان رفتم به ملاقات آن بانو و یکی از مسائل فلسفی که به خاطر داشتم را از بانو سوال کردم. و بانوی مزبور شروع به سوال و جواب کرد. این چنین می نویسد که: دیدم که من باید دست و پای خود را جمع کنم. آری این چنین است مقام والای زن در اسلام.»^۲

زن در ادبیات عرفانی یهود :

اگر به فهرست مجموعه مقالاتی که در مورد زن و جایگاه وی در ادبیات یهود نگاهی بیندازیم، خواهیم یافت که در ادبیات یهود وضعیت زن بهبود نیافته و نگاه همان جنسیتی است. و زن در مقام پایین تری از مرد قرار گرفته، و یا به عنوان انسان نیز به شمار نمی آید. در اولین کتابی که در قرون اخیر در باره زن در ادبیات و عرفان یهودی به چاپ رسیده، در بخشی از کتاب زن و جایگاه وی مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب در سال ۱۸۹۵ برای اولین بار چاپ شده است. فهرست این مجموعه مقاله شامل: نگاهی به ادبیات یهودی، تلمود، یهودی در تاریخ تمدن، فرهنگ، زنان در ادبیات یهود، طنز و عشق و شعر در یهود،^۳

۱- پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۱، ص ۱۷ تا ۲۴.

۲- مجله زنان، شماره ۱.

3- Jewish Literature and other essays, vol 2.

کتاب دیگرکه در زمینه ی زن به نحو کلی مطالبی را طرح کرده، و به بررسی نگرش اهل شبه جزیره ایبری یهودی در مورد، انتقال فرهنگ که طی قرون ۱۲ و ۱۳ صورت گرفته، به ذکر مطالبی می پردازد. مطلب مهم در این کتاب در مورد نقل مکان یهودیان از حوزه اسلامی به حوزه های مسیحی است. این کتاب انتقال فرهنگ و نقل مکان یهودیان را در مباحث ادبی بی تاثیر نمی داند.^۱

زن در ادبیات عرفانی یهود:

اگر به فهرست مجموعه مقالاتی که در مورد زن و جایگاه وی در ادبیات یهود نگاه می بیندازیم، خواهیم یافت که در ادبیات یهود وضعیت زن بهبود نیافته و نگاه همان نگاه جنسیتی است، و زن در مقام پایین تری از مرد قرار گرفته، و یا به عنوان انسان نیز به شمار نمی آید. در اولین کتابی که در قرون اخیر در باره زن در ادبیات و عرفان یهودی به چاپ رسیده، فقط در بخشی از کتاب زن و جایگاه وی مورد بررسی قرار گرفته است که دارای نقش برجسته ای نیز نمی باشد.

آیین قبلا در عرفان یهودی و تاثیر آن بر جایگاه زن

باید گفت یکی از مسایل مهم در آیین یهود، قبلا «KABBALAH»، که به معنای «سنت» است، اصطلاحی کلی برای آموزهای دینی است که ابتدا به طور شفاهی از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. این اصطلاح از قرن یازدهم برای آن نوع اندیشه عرفانی یهودی به کار رفت که ادعا می شد از گذشته های دور دریافت شده است. عرفان یهودی از ساحتی ماورالطبیعی سخن می گوید که انسان با آن پیوند دارد، و می تواند به آن فرا خوانده شود و نیروهای بی کران آن را انتقال دهد. قبلا، نخست به عنوان تعلیمی سری به شمار اندکی از افراد ممتاز و برگزیده سپرده می شد و تنها در قرن چهاردهم به موضوع و مشغله آشکار بسیاری از مردم تبدیل شد. مانند همه نظام های عرفانی^۲. آن چه از آیین قبلا بر می آید، ذکر این مطلب مهم است که این آیین، آموزه ای مذکر بوده است که وسیله مردان و برای مردان مهیا شده است. در قبلا زن ظهور کیفیت و لطافت نیست - چنان که کسی ممکن است بر آن باشد که این امر را

1 - Iberian jewish literature, 2007

۲- یهودیت بررسی تاریخی، صص ۲۷۰-۲۷۱.

قبول کند - بلکه تجلی داوری عبوسانه است و طبق آیین قبلا خصلت اهریمنی زاییده‌هقلمرو زنانه است. شولم معتقد است که: «بی شک، هم عارفان و هم فیلسوفان به نحو کاملی نظام یهودی کهن را تغییر داده و متحول ساختند؛ هر دو طایفه، ارتباط عامیانه و ساده را با دنیای یهود گسستند، یهودیتی که راغب بود در متن نصوص و اسناد ادبیات ربی یا ربی‌های (خاخام‌ها) یهود باقی بماند.^۱

نتیجه

با بررسی در مورد شخصیت زن در اسلام و یهود خواهیم یافت که در یهودیت بنابر آنچه در کتاب مقدس آمده است، جایگاه زن نسبت به مرد، جایگاهی فرعی و ثانوی است. این نگاه رایجی میان‌غربیان و یهودیان می‌باشد که زن باید از زن بودن خود شرمسار باشد. در اسلام به انسان بودن زن توجه شده است. نگاه اسلام درباره شخصیت زن، محدود به همسر یا مادر نمی‌شود؛ قداست او در موقعیت «دختری» و به عنوان عضوی از اعضای خانواده نیز باید محفوظ بماند. نگاه اسلام در این باب، متعالی و فراتر از دیدگاه‌های غالب در جامعه است. هرچند زنان و مردان با یکدیگر تفاوت دارند، اما با یکدیگر تضاد ندارند؛ تضادی که بنیان بسیاری از اندیشه‌های غربی، می‌باشد آنها با یکدیگر رقابت نمی‌کنند، بلکه دارای هدف و مقصدی یکسان می‌باشند که همان انسان بودن است. آن‌ها نقش‌های متفاوتی دارند، اما این نقش‌ها مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند تا در انسان بودن، نه تنها در این جهان، بلکه در آن جهان - زیرا مسلمانان به آخرت اعتقاد دارند - توفیقی حاصل شود و این توفیق هدف نهایی مسلمانان است. در بینش عرفانی و قرآنی هدف از خلقت بندگان، عبودیت عنوان شده است جمال و زیبایی خلقت، آیه و نشانه جمال الهی است و اینکه او جمیل است، از این رو، زن هم می‌تواند یکی از نشانه‌های جمال الهی باشد. از این رو است که به چهره‌های برجسته‌ای از زنان در شعر و ادب عرفانی در اعصار مختلف اسلامی برمی‌خوریم. این نکته در حالی است که با اعتقاد به قبلا به عنوان، آموزه‌ای دینی در سنت یهود، زن از رسیدن به مقامات والای معرفتی محروم می‌باشد.

۱- جریانات بزرگ در عرفان یهودی، ص ۵۸.

منابع و مأخذ

- ۱- آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات نگارش
- ۲- ابونصر سراج، عبدالله بن علی، الملع، ترجمه: مهدی محبتی، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۳- القرشی دمشقی، الحافظ عماد‌الدین ابی‌الفداء اسماعیل بن عمره بن کثیر، بی‌تا، جلد ۲، بی‌جا.
- ۴- امین زاده، محمد رضا، جایگاه انحصار و ممتاز زن، ۱۳۷۲، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بی‌تا، جلد ۱، ۳، بی‌جا.
- ۶- تورات، پیدایش ۲۴-۲۳
- ۷- جلیلی، محمد رضا، جایگاه زن در اسلام و یهودیت، ۱۳۸۳، تهران، انتشارات دستان
- ۸- چراغی، طیب، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱
- ۹- حریری، ناصر، فردوسی، زن و تراژدی، ۱۳۶۹، تهران، کتاب سرای بابل
- ۱۰- حسینی، مریم، پژوهش زنان (رمز پردازی زن در ادب عرفانی)، ۱۳۸۸، دوره ۷، شماره ۱
- ۱۱- خاقانی، دیوان اشعار، تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات زوار.
- ۱۲- زن و پژوهش (زندگینامه‌ی نوال سعداوی)، ۱۳۸۶، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در دانشگاه تهران.
- ۱۳- سجادی، سید ضیاء‌الدین، مقدمه‌ای بر عرفان و تصوف، ۱۳۸۷، تهران، انتشارات سمت
- ۱۴- سرامی، قدمعلی، فصلنامه‌ی تخصصی عرفان، سال اول، ۱۳۸۳، شماره اول، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.
- ۱۵- شجاعی، زهرا، برای زنان فردا، جلد ۲، ۱۳۸۴، تهران، روز نو.
- ۱۶- طاهری، سید محمود، جایگاه زن از نگاه اسلام، مناسبت‌ها - مبلغان، شماره ۱۰۴
- ۱۷- طباطبائی، علامه سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۳۶۶، جلد ۹، ۱۰، ۳۰، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۸- طلوعی، محمود، آفت جهانی، ۱۳۶۶، هفته
- ۱۹- علیمی، ماندانا (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد آزاد شهر)، فصل‌نامه زن و جامعه، ۱۳۸۹، سال اول، شماره اول.

- ۲۰- فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، قم، بوستان کتاب
- ۲۱- فنائی اشکوری، محمد، منزلت زن در اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی.
- ۲۲- فولادوند، م، قرآن کریم، ۱۳۶۴، تهران سازمان
- ۲۳- قزداري، رابعه، دایره المعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲، جلد ۲، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- ۲۴- منصور نژاد، م، مسئله زن، اسلام و فیمینیسیم، ۱۳۸۱، برگ زیتون
- ۲۵- موسوی زنجانی، سائلی، نگاهی به جایگاه زن در مبانی عرفان اسلامی، مجله شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۱
- ۲۶- مولوی، غلام سرور، ۱۲۸۰، خزینه الاصفیاء، چاپ سنگی، ۱۲۸۰، جلد ۲، نولکشور.
- ۲۷- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، به کوشش، محمد استعلامی، ۱۳۶۰، تهران، انتشارات زوار.
- ۲۸- نصر، سید حسین، ۱۳۸۴، سه حکیم مسلمان، مترجم: احمد آرام، چاپ ششم، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی،
- ۲۹- یزدانی، زن در شعر فارسی، ۱۳۷۸، تهران مرکز، ابراهیمی، عزت ملا، پیری، نوید، پژوهش زنان، سال ۱۳۸۸، دوره ۷، شماره یک.
- ۳۰- ایزیدور، اپستاین، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه: بهزاد سالکی، ۱۳۸۵، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۳۱- جناتی، محمد ابراهیم، نه زن سالاری، نه مرد سالاری، بلکه شایسته سالاری، بی تا، زن در روزنامه زن.
- ۳۲- سعیدی، سید حجت مهدوی، فصل نامه تخصصی ادیان و عرفان، سال ششم، ۱۳۸۸، شماره بیست.
- ۳۳- سلمی، عبدالرحمن، ذکر النسوة المتعبدات الصوفیات، تحقیق خانم کرنل، ۱۹۹۹، انتشارات فنس ویتا آمریکا، چاپ اول.
- ۳۴- شولم، گرشوم، جریانات بزرگ در عرفان یهودی، فریدالدین رادمهر، ۱۳۸۶، نشر نیلوفر
- ۳۵- الهی قمشه ای، مهدی، قرآن مجید، به خط عثمان طه، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات گلپان

36-Jewish Literature and other essays, *GUSTAV KARPELES*, 1895, vol 2.

37-Iberian jewish literature, *JONATAN p. DECTER*, 2007.

38-Smith, margaret, 2001, *Rabia the Mystic and her Fellow* –saints in Islam.

39- Schimmel Annmarie, 1999, *My Soul Is a Woman*, New York, The Continuum Publishing com pany.

Archive of SID